

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ دسمبر ۲۰۱۸

نسل کشی ادامه دارد مگر ما ساکتیم!



بر بنیاد گزارش یوناما، در ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی ۶۴۹ مورد تلفات به غیر نظامیان وارد شده و کودکان ۵۵ درصد آن را تشکیل می‌دهند.

جمعه- ۰۹ قوس ۱۳۹۷ - کابل: در قانون اساسی دولت دست نشانده، اعتراض، اعتصاب و مظاهره به مثابه حق مردم به رسمیت شناخته شده است، وقتی انسان می بیند و می شنود و می خواند که این بخش و یا آن بخش از مردم افغانستان در تقابل با سیاست های دولت دست نشانده و با دارانش و یا هم اجحافات این مقام و یا آن مقام دست به تجمع اعتراضی زده اند، صرف نظر از این که انسان با آن موضوع موافق و یا مخالف باشد، وجدانش بر وی حکم می نماید تا از مردمی که حق خود را شناخته اند و حاضر نیستند تا برده وار تسلیم زور گردند، به حمایت برخیزد. به نظر من دست یازیدن به اعتصاب و اعتراض و بریدن از فرهنگ منحنط "گذاره کرو"، "گذاره کنید" "از بدبترش توبه" و امثال اینها، می تواند به مثابه شاخص رشد یک ملت به شمار آید یا به عبارت دیگر مردمی که رشد شخصیتی و حقوقی لازم نموده اند و به حقوق و وجایب خود آشنا هستند هیچ گاهی نه به خود حق می دهند تا بر کسی زور بگویند و نه هم به دیگران حق می دهند تا بر آنها زور گفته حق ایشان را تلف نماید.

هرگاه خواسته باشیم این حکم را به ارتباط حق حیات که نخستین و مقدمترین حق نه تنها برای انسانها بلکه برای حیوانات و تمام طبیعت است، تطبیق نمائیم، آیا می توان سکوت مرگ ما را در قبال اینهمه کشتار از جانب طرفین دعوی ارتجاعی و ضد ملی یعنی دولت دست نشانده، با دارانش و طالب و داعش، توجیه کرد.

هموطنان گرامی!

همین چند سال پیش بود که در تونس یک خرده فروش به مثابه اعتراض علیه فشار حاکمیت خود را آتش زد، همه شاهد بودیم که مردم چنان به سرکها برآمدند که زمین را زیر پای امپریالیسم و نوکرانش به لرزه انداخته، دولت تونس را سقوط دادند، ما را چه شده که گاه لاف و گزاف، هریک ده رستم دستان را به زانو می آوریم اما هنگام عمل، چون موش های کور هر سوراخی را برای خود بزرگ یافته آنقدر اینطرف و آنطرف می گردیم، که سرانجام خوراک گریبه تیزچنگال بگردیم.

اگر اینطور نیست چرا باید در مقابل قتل عام مظاهره چپان به وسیله نیروهای امنیتی وزارت داخله و وزیر آن که بیشترین بخش عمرش در لندن به یله گردی گذشته و چیزی به نام عرق ملی در خاندان شان وجود ندارد، سکوت کنیم؟ اگر اینطور نیست چرا باید نسبت به کشته شدن ۲۳ انسان بیگناه متشکل از ۸ زن و ۱۵ طفل که در هیچ دین، آئین، مذهب و راه و رسم سیاسی نه تنها جواز ندارد بلکه جنایتی است آشکار و مبرهن علیه بشریت، سکوت پیشه نموده، مرگ هزاره را به هزاره ها بگذاریم، از پشتون را به پشتون ها و از تاجیک و ازبیک را به تاجیکها و ازبیکها؟

پس عرق ملی ما به مثابه یک شهروند افغانستان و احساس انسانی ما به مثابه یک انسان کجاست؟ چرا هیچ کس صدایش را علیه جنایاتی که همه روزه در هلمند، ننگرهار، تخار، بدخشان، فاریاب، هزاره جات و ... صورت می گیرد، بلند نمی کند؟ مگر خون ما و خانواده ما از خون آن هلمندی رنگین تر و ارزشمند تر است که از قتل عام ۲۳ هلمندی با جنباندن سر می گذریم؟

هموطنان گرامی!

بیائید مشترکاً به سرکها برآئیم، تجربه چند روز اخیر رویارویی بین دولت دست نشانده و هواداران "علیپور" به وضاحت نشان داد، که امپریالیسم و نوکرانش با تمام غر و فیش چیزی بیشتر از همان "بیرکاغذی" نیستند، آنها تا زمانی می غرند که حریف و حریفان را مقابل شان مصمم به مبارزه ببینند، به محض این که متوجه شوند که طرف مقابل عزم جنگیدن تا آخر را دارد همان طوری که با دندان اتومی خود در مقابل طالب صدای تسلیم را بلند نموده و در مقابل تعدادی از جوانان هزاره رئیس امنیت ضد ملی اش "جام زهر" را نوشید، وقتی من و تو مشترکاً دست در دست یک دیگر به سرکها برآمده و وظیفه خونخواهی ۲۳ شهید هلمندی را به دوش گیریم، مطمئن باشید که تمام این یله گردان اروپایی که خود را تکنوکرات معرفی نموده اند، دوباره به اوطان اروپایی شان فرار خواهند نمود.

آدمک هائی از قماش "برمک" که در وطنفروشی هزاران شاه شجاع به گردش نمی سرد، تا زمانی قوله می کشند که من و تو را مقابل خود نمی ببینند، به محض رؤیت ما، دشمنان را لم پای شان نموده، به همان یله گردی در اروپا و امریکا ادامه خواهند داد.

در حمایت از شهدای هلمند، کابل، جلال آباد و ... سرکها را به آوردگاه میان خود و دولت دست نشانده مبدل سازیم.

سرکها ما را می طلبد!!